

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در تأسیس سیستم همکاری دولت و ملت

محمد رضا الفی^۱

چکیده

هدف: بررسی تأثیر انقلاب اسلامی در تأسیس سیستم همکاری دولت - ملت به دلیل ناشناخته ماندن آن و عدم توجه کافی دولتمردان و محققان محترم کشور، یکی از ضروریات علمی بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فلسفه وجودی این تحقیق، پرداختن به شیوه‌های تحکیم و تقویت روابط دولت - ملت و درک صحیح آن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد.

روشن‌شناسی پژوهش: پژوهش حاضر با هدف «کاربرد» و ماهیت «توصیفی - تحلیلی» و بهره‌گیری از نگرش سیستمی، به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری در تأسیس سیستم همکاری دولت و ملت دارد؟

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت و ملت از همدیگر جدا بوده و دولت خود را موجودی برتر از ملت می‌دانست ولی بعد از پیروزی انقلاب، با تأثیرپذیری از مبانی دینی و اندیشه‌های سیاسی رهبران انقلابی و فرهنگ سیاسی خاص اسلامی - ایرانی، موجودیت خود را از ملت گرفته و خود را خدمتگزار ملت می‌داند.

نتیجه‌گیری: نتایج بیانگر آن است این سیستم؛ در صدد پرکردن خلاء شکاف تاریخی بین دولت و ملت بر مبنای دین و مذهب بوده است. همچنین با تزریق روحیه انقلابی، جهادی و ایجاد انگیزش در جامعه برای دفاع و سازندگی از کشور و ایجاد بستری امن؛ به خنثی‌سازی تهدیدات پرداخته و با تربیت نیروهای متخصص، مجرب و فعالیت‌های پیدا و پنهان خود، ضریب اعتماد ملت نسبت به نظام سیاسی را افزایش داده است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، همکاری دولت و ملت، سیستم، نگرش سیستمی، سیستم همکاری دولت و ملت.

مقدمه

بررسی تأسیس و شکل‌گیری سیستم همکاری دولت و ملت به‌عنوان یک گفتمان مستقل که دارای هویتی جدید؛ در جهان سیاست معاصر می‌باشد؛ متأثر از انقلابی است که خود یک پدیده بزرگ سیاسی می‌باشد. این سیستم، به دلیل ناشناخته ماندن آن برای دولتمردان و محققان محترم کشور، مورد توجه واقع نشده است. لذا محقق؛ به جهت اهمیت موضوع و نیاز علمی کشور، درصدد است با معرفی دقیق آن به جامعه دانشگاهی کشور، گامی هر چند کوچک بردارد. به هر حال این سیستم، متأثر از انقلابی است که یکی از بزرگترین رخدادهای سیاسی- اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم بوده و توجه بسیاری از نظریه پردازان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی را به خود معطوف کرده است. انقلابی که منشاء ظهور آثار شگرفی در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره گردید (عیوضی، ۲۰۱۴: ۲۳).

بنابراین شناخت و درک صحیح این سیستم، بدون شناخت انقلاب اسلامی میسر نمی‌باشد؛ بدین معنی که خود سیستم، بخشی از آثار و دستاوردهای انقلاب می‌باشد. انقلاب تأسیس همبستگی جدیدی در مقابل فروپاشی همبستگی سنتی ناشی از نظام شاهنشاهی و ویژگی عصر مدرن بود؛ همبستگی‌ای غیر شخصی و بر مبنای نوعی وابستگی متقابل نیازهای اجتماعی افراد به یکدیگر. این همبستگی، نوعی زندگی جمعی، معنویت و برادری را ترغیب می‌کرد و موجب شد که بار عاطفی، روحی و معنوی آن افزایش پیدا کند؛ به‌واقع، پس از فرآیند مدرنیزاسیون در کشور، انقلاب اسلامی پناهگاهی بود که همبستگی خاصی را به ارمغان آورد. انقلاب، بازشناسی هویتی بود که مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی را که در نظام سیاسی پیشین از غرب و نظام غربی می‌گرفت ولی در نتیجه انقلاب، به لحاظ بار مفهومی، واکنشی به غرب بود و از دین اسلام و فرهنگ ایرانی نشأت می‌گرفت. شروع انقلاب، گام مهمی بود که با ارائه تعریف مجدد از خودمان را آغاز کنیم و آن دوره چهل تا پنجاه ساله غربی شدن ناخودآگاهانه را پشت سر بگذاریم؛ ولی این بازگشت به خویشتن، هم در ضدیت با غرب شکل گرفت و هم ریشه‌های گذشته ما، فرهنگ و تاریخ دیرین ما را مورد بازشناسی قرار داد. پس یک اثر انقلاب، تأسیس همبستگی جدید و سیستم همکاری دولت و ملت و اثر دوم، بازگشت به خویشتن و بازتعریف خویش در ضدیت با غرب و بر مبنای تاریخ و فرهنگ گذشته خودمان بوده است (زارع، ۲۰۰۰: ۲۵۸).

شایان ذکر است که با درک صحیح از سیستم جدید التأسیس همکاری دولت - ملت و شناخت عوامل تقویت‌بخش و حتی موانع به‌عنوان یک دغدغه علمی، باعث همگرایی و تحکیم روابط دولت و ملت می‌گردد. اما غفلت، بی‌توجهی و بی‌تفاوتی نسبت به آن توسط نخبگان و صاحب‌نظران و دولتمردان؛ موجب ضربه‌پذیر شدن سیستم خواهد شد. به تعبیر دیگر، بی‌اعتنایی نسبت به سیستم همکاری دولت - ملت و مسائل موجود و احتمالی آینده، موجب کاهش ضریب قدرت و امنیت ملی می‌گردد. بنابراین بررسی روابط دولت و ملت به‌عنوان یک سیستم و نحوه همکاری آنها به مسئولین سیاسی کشور، دولتمردان و دلسوزان نظام جمهوری اسلامی ایران کمک خواهد نمود تا به پیش‌بینی دقیق آینده بپردازند. به تعبیر دیگر؛ برای دستیابی بهتر به اهداف، آرمان‌ها و نیازهای مشترک، لازم‌ه‌اش این است که نگاهی

سیستماتیک^۱ استراتژیک^۲ و توأم با آینده‌نگاری^۳ داشته باشیم. به نظر می‌رسد برخی مشکلات و معضلات سیاسی - اجتماعی گذشته و احتمالی جامعه ایران، موجه‌ترین دلیل برای تفکر سیستماتیک در مورد آینده و نتیجه قهری نپرداختن به آنها، بروز بحران می‌باشد. از آنجایی که گذشته دیگر در دسترس نیست و تنها خاطراتی از آن بر جای می‌مانند و حال نیز به سرعت به گذشته می‌پیوندد و کوچکترین تأثیری را بر نمی‌تابد. لذا آینده تنها فرصتی است که برای سیاستگذاران و تصمیم‌گیران کشور باقی مانده تا بتوانند اهداف، آمال و برنامه‌های خود بپردازند و برای پیشرفت و توسعه همه جانبه جامعه در سایه تحکیم روابط دولت و ملت فکر کنند. به نظر می‌رسد تحولات حیرت‌آور این عصر، ناشی از دگرگونی‌های شگفت‌آور در حوزه فناوری، معرفی و روند شتابناک جهانی شدن و تغییرات چنان برق‌آسا از راه می‌رسند که حتی لحظه‌ای درنگ می‌تواند بهای گزاف غافل‌گیری راهبردی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را بر حکومت تحمیل نماید. لذا در این محیط سرشار از بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال موفقیت و کامروایی دارد، تلاش برای معماری است (محمدی لرد، ۲۰۱۴: ۱۶).

با عنایت به آن‌چه که بیان شد مهم‌ترین سؤالی که تحقیق حاضر بدان می‌پردازد این است انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری در تأسیس و شکل‌گیری «سیستم همکاری دولت و ملت» دارد؟
سؤالات دیگر این‌که:

۱- سیستم همکاری دولت و ملت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر چه مبنایی شکل گرفته و از چه جایگاهی برخوردار است؟

۲- سیستم همکاری دولت - ملت دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشد؟

۳- مهم‌ترین شاخصه‌ها و عوامل تقویت‌کننده و تحکیم‌بخش سیستم چه چیزی می‌باشند؟
در پاسخ به سؤال اصلی و سؤالات فرعی، می‌توان گفت: یکی از تأثیرات اساسی انقلاب، تأسیس همبستگی جدید و شکل‌گیری سیستم همکاری دولت و ملت می‌باشد. این سیستم، درصدد پر کردن خلاء شکاف تاریخی بین دولت و ملت بر مبنای دین و مذهب، مشارکت آگاهانه و داوطلبانه مردم در امور سیاسی و اجتماعی بوده است. همچنین سیستم با داشتن ویژگی‌هایی از جمله روحیه انقلابی، جهادی، خودباوری، ایثار و ایجاد انگیزش در جامعه برای دفاع و سازندگی از کشور و ایجاد بستر و زمینه امن؛ به خنثی‌سازی تهدیدات پرداخته و با اقدامات و فعالیت‌های پیدا و پنهان خود در ملت، ضریب اعتماد و اطمینان را نسبت به نظام سیاسی افزایش داده و به امنیت ملی و پیشرفت‌های سیاسی در عرصه دیپلماتیک و روابط بین‌الملل، نظامی و غیره کشور کمک نماید.

-
1. Systematic
 2. Strategic
 3. Foresight

پیشینه تحقیق

با عنایت به اهمیت همکاری دولت و ملت در ایران، متأسفانه با کمبود منابع مواجه هستیم و از سوی دیگر، به جزء رساله دکتری و چندین مقاله علمی - پژوهشی در فصلنامه‌های علمی کشور از نگارنده، کتاب، رساله و پایان‌نامه مستقلی با این عنوان؛ یافته نشد. اما کتب به نگارش درآمده در گذشته؛ بیشتر به شکاف آنها پرداخته‌اند. به‌طور مثال می‌توان به کتاب‌های «تضاد دولت و ملت در ایران» از دکتر همایون کاتوزیان و «دییایچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران» از دکتر حسین بشیریه، «ناکارآمدی نخبگان سیاسی در ایران» از دکتر علیرضا ازغندی اشاره نمود. کاتوزیان معتقد است: «همیشه در ایران دولت و ملت از هم جدا بوده‌اند و چرخه دولت و ملت در جامعه سنتی ایران عبارت بوده است از: استبداد، فتنه - آشوب و استبداد» (کاتوزیان، ۱۹۹۳: ۲۵).

وی در اثبات نظریه خود می‌گوید: در جامعه سنتی ایران، دولت از جامعه جدا بوده، نه فقط در رأس، بلکه در فوق آن قرار داشته؛ در نتیجه - در تحلیل نهایی - دولت پایگاه و نقطه اتکا محکم و مداومی در درون اجتماع نداشته و منافع آنان را نمایندگی نمی‌کرده است. به این ترتیب، همه حقوق اجتماعی ملاً در انحصار دولت بوده، و «حقوقی» که هر فرد، گروه و طبقه اجتماعی از آن برخوردار بوده، اساساً بر مبنای اجازه و اراده دولت قرار داشته، یعنی در حکم «امتیازی» بوده که دولت در هر لحظه می‌توانسته آن را ملغی کند. یعنی قدرت دولت به هیچ سنت، عرف، قرارداد یا قانون مداومی منوط و مشروط نبوده، و این درست معنای عادی واژه استبداد - یعنی: خودرأیی و خودسری - است. در این چنین جامعه‌ای «قانون» همان اوامر و احکامی است که دولت استبدادی به اراده خود صادر می‌کند، و هر گاه بخواهد تغییر می‌دهد و «سیاست» نیز از حدود توطئه و دسیسه و کوشش برای حذف، امحاء و نابودی رقیبان و دشمنان و حفظ حراست سلطه دولت بر اجتماع چندان فراتر نمی‌رود. این جدایی اساسی بین دولت و جامعه که هم سبب و هم نتیجه عدم مشروعیت دولت و انحصار حقوق اجتماعی توسط آن است الزاماً سبب می‌شود که جامعه به دولت به‌صورت یک نیروی بیگانه و «حکومت زور» بنگرد و آن را از خود نداند (کاتوزیان، ۱۹۹۳: ۲۵). دکتر ازغندی با طرح نظریه «فرهنگ ستیزش» در کتاب «ناکارآمدی نخبگان سیاسی در ایران» (۲۰۰۶)، دلایل عدم همکاری دولت و ملت را چنین بیان می‌کند: به خوبی می‌توان این نتیجه را گرفت که استبداد حاکم بر جامعه ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از حضور اندیشه‌های مترقی، حاکمیت تساهل و مدارای سیاسی و دگرپذیری جلوگیری کرده و به جای آن فرهنگ ستیزش را جایگزین آن نموده است؛ و لذا چون در این فرهنگ افراد نمی‌توانستند همدیگر را قبول کنند همیشه اختلاف، درگیری، حذف فیزیکی، ترور شخصیت و غیره وجود داشته است. بنابراین، در چنین فرهنگ بی‌اعتمادی، همکاری چه درون گروهی و چه برون گروهی شکل نمی‌گرفت (ازغندی، ۲۰۰۶: ۲۲).

دکتر بشیریه در کتاب «دییچه‌ای بر جامعه شناسی ایران» (۲۰۰۲)، با معرفی نظام جمهوری اسلامی تحت عنوان دولت جامع‌القواء^۱ از حیث ایدئولوژیک، دولت «دموکراسی صوری یا نمایشی»^۲ و «شبه دموکراسی»^۳ و توتالیتر از حیث ساختاری^۴؛ معتقد است «جمهوری اسلامی» مردم سالار نیست و همانند حکومت پهلوی یک حکومت مطلقه محسوب می‌شود (بشیریه، ۲۰۰۲: ۴۷).

شایان ذکر است که ایشان به این نکته توجه نمی‌کنند که حکومت پهلوی اعم از رضاخان و محمدرضا شاه هر دو با کودتا روی کار آمدند و با ایجاد حکومت استبدادی و دیکتاتوری به سرکوب ملت پرداختند. این در حالی است که دولت بعد از پیروزی انقلاب، از بطن توده مردم برخاسته و به جهت آمیختگی ملت در دولت و دولت در ملت؛ به یک سیستم سیاسی جدید و مستقل تبدیل گردید.

چارچوب نظری و مفهومی تحقیق

الف - چارچوب نظری

امروزه چگونگی همکاری ملت با دولت به‌عنوان یکی از پشتوانه‌های نظام‌های سیاسی و بخشی از سرمایه‌های اجتماعی، توجه دولتمردان را به خود معطوف و ذهن بسیاری از آنها را به خود مشغول نموده است. در جهان امروز، دولت‌ها و نظام‌های سیاسی درصدد جلب مشارکت‌های مناسب برای توسعه، تداوم و بقای نظام سیاسی خود می‌باشند، اما سطح و نوع همکاری و مشارکت سیاسی - اجتماعی تحت تأثیر عوامل فراوانی از جمله نگرش دولتمردان نسبت به دخالت مردم در مسائل سیاسی از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز و قانونی و نیز نگرش ملت نسبت به مقبولیت و مشروعیت سیاسی دولتمردان در سطوح گوناگون ساختارهای سیاسی، کارگزاران و خط مشی‌ها می‌باشد. بدین معنا که با افزایش میزان مقبولیت و مشروعیت دولتمردان؛ میزان همگرایی بین آنها افزایش و زمینه‌های همکاری و مشارکت ملت و دولت در قالب‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ظهور و بروز نموده و جامعه سیاسی (دولت - کشور) به سمت پیشرفت و توسعه گام خواهد گذاشت. اما با کاهش مقبولیت و مشروعیت سیاسی دولتمردان و ایجاد فاصله بین دولت و ملت، واگرایی، بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی، عدم همکاری و مشارکت سیاسی شکل گرفته و مردم از حکومت، دولت و نظام سیاسی فاصله خواهند گرفت (اکبری، ۲۰۰۵: ۱۱۹). اما در خصوص همکاری دولت و ملت در حوزه علوم انسانی بالاخص رشته علوم سیاسی، دو نگرش متفاوت در خصوص همکاری دولت و ملت وجود دارد که عبارتند از: رقیب محوری^۵ و یار محوری^۶.

۱. دولت جامع‌القواء: دولتی ایدئولوژیک که دارای دو ویژگی می‌باشد. ۱- سیاسی کردن جامعه، ۲- عدم فرصت به دیگران جهت ارائه نظر.

2. Façade Democracy
3. Quasi Democracy
4. Totalitarian in terms of structure
5. Rival-centerdness
6. Peer- centerdness

۱- نگرش رقیب محوری

در این نگرش، مردم به عنوان رقیب دولت محسوب شده و دولتمردان از همکاری با ملت در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واهمه دارند. از این رو دولت جامعه را بی‌نیاز از مردم دانسته و تصور می‌کند ملت نمی‌فهمند و دولت عقل کل و تنها منبع تشخیص دهنده مصلحت، شخص شاه است (بوم، ۱۹۹۵: ۶۰). از سوی دیگر قوه ابتکار و خلاقیت از مردم گرفته شده و مردم جزء اطاعت محض از حاکمان سیاسی وظیفه‌ای ندارند. بنابراین این عامل، زمینه‌ساز بی‌انگیزگی و بی‌تفاوتی^۱ مردم نسبت به سیاست شده و ملت تمایلی به همکاری با دولت در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ را ندارند. به‌طور مثال با نگاهی به تاریخ سیاسی ایران این نگرش وجود دارد، اعتقاد بر این بوده است که مردم به سبب سرشت و خوی آزمندشان به فساد، شر و تجاوز به یکدیگر گرایش دارند؛ لذا برای این که مردم از شر یکدیگر در امان باشند لازم است بر آنان کنترل اعمال شود. برخورد با ملت در این دیدگاه، نه فقط بر مبنای برخوردی «شبان - رمگی» است، بلکه مردم حتی یک رمه گوسفند بی‌آزار هم نیستند و یک گله گرگ‌اند که اگر کسی مواظبشان نباشد، یکدیگر را تکه پاره می‌کنند. در این رابطه «سلطان - رعیتی» شاه اقتدار مطلق دارد، بی‌آنکه هیچ مسئولیت مشخص و نهادینه شده‌ای در برابر مردم داشته باشد (کاتوزیان، ۱۹۹۳: ۱۶).

۲- نگرش یار محوری

با توجه به تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی در جهان، بالاخص بعد از رنسانس و وقوع انقلاب‌های متعدد علیه دولت‌های تمرکزگرا و بسط و گسترش افکار دموکراسی‌خواهی و تأکید بر حقوق طبیعی^۲، حقوق اساسی، قوانین اساسی موضوعه و مدون، حاکمیت سیستم پارلمانتاریسم^۳ و تفکیک قوا و ایجاد محدودیت برای پادشاهان توسط اندیشمندی همچون جان لاک^۴، ژان ژاک روسو^۵، منتسکیو^۶ و دیگران مطرح گردید. در طول قرن بیستم به خصوص در نیمه دوم این قرن، بشر خواهان پایان تمرکزگرایی گردید (عالیخانی، ۲۰۰۲: ۸۳-۸۴). بنابراین در سایه تلاش اندیشمندان، ملت خواهان تحقق مردم سالاری یعنی نظارت کامل مردم بر امور عمومی شدند و خواهان پاسخ‌گویی دولتمردان در برابر مردم و استقرار تشکیلات قانونی گردیدند. همچنین با تشکیل نهادهای مردمی و مشارکت سیاسی - اجتماعی و ایجاد فضای رقابتی سالم سیاسی، به همکاری دولت و ملت به‌عنوان یاریگر هم تأکید کردند.

1. Apathy (Incuriosity) and distrust
2. Rights of natur
3. Parliamentarianism
4. John Locke
5. Jean Jacques Rousseau
6. Montesquieu

۳- نگرش سیستمی

نگرش سیستمی، کلیه پدیده‌های موجود در طبیعت و اجتماع را مرتبط و مؤثر بر هم می‌داند و حد و مرز هر پدیده را در رابطه با پدیده‌های دیگر تعیین می‌کند. یعنی هر عنصر و پدیده‌ای به‌مثابه یک سیستم، عناصر درونی خود و در عین حال عنصری از یک سیستم بزرگتر می‌باشد. از دیدگاه سیستمی، هر عنصری صرفاً حاصل جمع ریاضی عناصر متشکله خود نمی‌باشد بلکه هر عنصر، سیستمی است که خاصیت آن متفاوت از ویژگی‌های اجزاء تشکیل دهنده و کیفیتاً برتر از آنها می‌باشد. از منظر نگرش سیستمی کلیه پدیده‌های طبیعی، اجتماعی و انسانی همانند سیستم‌های بزرگ و کوچک به هم وابسته هستند و کلیت واحدی را تشکیل می‌دهند. این نظرگاه با نگرش تجزیه‌گرایی در تضاد نمی‌باشد بلکه تجزیه و تحلیل عناصر هر سیستم نباید به‌صورت مجزا و خارج از کلیت به هم پیوسته سیستم باشد، بلکه عناصر هر سیستم باید در رابطه با دیگر عناصر و در وحدت و یکپارچگی کل سیستم مورد بررسی قرار گیرد و خارج از کلیت سیستم معنا و مفهومی ندارد.

شایان ذکر است که جوهر اصلی تفکر سیستمی تغییر نگرش در دو جهت زیر است:

مشاهده و درک روابط درونی پدیده‌ها به جای روابط خطی علی و معلولی؛

شناخت فرایند تغییر در سیستم به جای اقدام فوری و عاجل؛

در کنار هدف‌محوری تفکر سیستمی، این شیوه تفکر به‌طور عمده بر دو مفهوم اصلی استوار است که مهم‌ترین عناصر سازنده آن را تشکیل می‌دهند: نخست «بازخورد» و دوم «اهرم‌های عملیاتی» یا همان «سازوکارهای ایجاد تغییر».

بازخورد چگونگی تقویت و یا ایجاد تعادل، آثار تعامل بین متغیرها در یک سیستم را تفسیر می‌کند و اهرم‌های عملیاتی نیز شناخت صحیح و درک عمیق از پیچیدگی پویای سیستم را برای ما فراهم می‌سازند.

به هر حال نگرش سیستمی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مفید جهت دسته‌بندی سیستم‌های همگرا، که قابلیت تعامل مثبت و همکاری برای نیل به وحدت دارند در مقابل سیستم‌های واگرا، که دارای عوامل بازدارنده و منفی در جهت ایجاد تفرقه و پراکندگی میان دولت و ملت هستند به‌کار گرفته شود. به عبارتی دیگر؛ با بکارگیری نگرش سیستمی به‌عنوان یک ابزار روشمند، می‌توان نیل به ایجاد ثبات و تعادل را در سیستم کلان و سیستم‌های جزء در داخل جامعه را بررسی و چگونگی قابلیت انعطاف، پایداری، دوام و استمرار سیستم را مورد ارزیابی قرار داد.

با عنایت به آن‌چه که گذشت مطالعه مستمر و مداوم در خصوص نظریات، رهیافت‌ها و روش‌شناسی‌های مختلف در علوم سیاسی، این نتیجه به‌دست آمد که در کنار نظریه‌های همکاری و همگرایی، نگرش سیستمی، پاسخ‌گوی مناسبی برای بررسی رابطه متغیرهای این تحقیق می‌باشد.

ب- چارچوب مفهومی (مفهوم شناسی همکاری دولت و ملت)

۱- همکاری در لغت

همکاری یکی از پدیده‌های اجتماعی است که سابقه آن را می‌توان به بلندای زیست اجتماعی انسان دانست. انسان هیچ‌گاه قادر نبوده به صورت فردی و بدون همکاری دیگران بتواند به زندگی خود ادامه دهد؛ به همین لحاظ جامعه را تشکیل داده و با استفاده از اصل همکاری و تعاون به رفع نیازهای خود پرداخته است. انسان‌ها برای محافظت از خویش و مقابله با نیروهای خصمانه، به مرور این درس ابتدائی را آموختند که از طریق همکاری گروهی بیشتر از مواقعی که منفرد و تنها هستند می‌توانند کار مؤثر انجام دهند. بنابراین همکاری یکی از کنش‌های متقابل پیوسته^۱ انسان می‌باشد (طالب، ۲۰۰۷: ۳-۱).

در فرهنگ فارسی دهخدا، همکاری به معنای هم‌پیشگی، یاری کردن و... آمده است. در فرهنگ عمید همکاری چنین بیان شده: (حاصل مصدر) [hamkāri] با هم کار کردن؛ به یکدیگر کمک کردن در کاری؛ همپیشگی و شرکت در کاری.

در فرهنگ واژگان مترادف و متضاد درباره این واژه چنین آمده است:

۱. معاضدت، همراهی، همیاری.

۲. دستیار، شراکت، همپیشگی، همدستی، همشغلی، همقطاری (عمید، ۲۰۰۱: ۱۱۷۹).

در دیکشنری فارسی به انگلیسی در برابر واژه همکاری چنین آمده است:

association, co- operation, collaboration, concert, cooperation, partnership, teamwork.

واژه‌یاب (۲۰۱۵): <http://www.vajehyab.com/amid>

۲- همکاری در آموزه های دینی

همکاری به‌عنوان یک ضرورت انکارناپذیر در جامعه اسلامی، نقش اساسی در قدرت‌یابی مسلمانان به‌طور کلی دارد. همکاری، از جریان‌ها و ارکان اساسی در زندگی بشر است و یکی از شروط اساسی در هر وضع و موقعیتی از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌رود. لذا همکاری و وحدت هدف، تقسیم‌کار و قبول مسئولیت از عناصر اصلی کارهای جمعی هستند که یک جامعه و گروه اجتماعی را حفظ و پایدار می‌سازد. با نگاهی اجمالی به آیات قرآن و احادیث ضرورت این امر، به خوبی دیده می‌شود:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده / ۲).

«و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید».

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا (آل عمران / ۱۰۳).

و همگی به ریسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات / ۱۰).

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند، بنابراین [در همه نزاعها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا نمایید، امید که مورد رحمت قرار گیرید.»
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات / ۱۳).

ای مردم، ما شما را از یک مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً، خداوند دانا و آگاه است.
 وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (توبه / ۷۱).
 و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند.
 در مورد تعاون و همکاری اجتماعی به‌عنوان نمونه می‌توان به آیات زیر اشاره کرد: نساء / ۸۶ و ۱۴۸؛ انعام / ۱۵۰؛ اعراف / ۳۳؛ لقمان / ۱۸ و ۱۶؛ فاطر / ۱۰؛ فصلت / ۳۴ و ۳۵؛ حجرات / ۱۰ تا ۱۲؛ توبه / ۷۱؛ مائده / ۲؛ بلد / ۱۷؛ آل عمران / ۲۰۰؛ ۲۷ و بقره / ۱۴۹؛ انفال / ۱؛ نور / ۲۷ و ۶۱؛ فرقان / ۶۳؛ عنکبوت / ۴۶ (زاهدی اصل، ۲۰۰۸: ۱۴۶).

بدین ترتیب در فرهنگ اسلامی، همکاری و تعاون یکی از اصول اخلاقی مهمی است که در قرآن با صیغه امر به آن اشاره شده و همین امر نشانگر اهمیت و ارزشمندی آن است. در ادامه به برخی از احادیثی اشاره می‌گردد که به همکاری و تعاون به‌عنوان یک ارزش نگاه می‌کند:
 پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ» (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶: ۱۸۱).

«مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری می‌رسانند».

امام علی (ع) در خطبه ۲۱۶ در خصوص همکاری می‌فرماید: «مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جَهْدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ» (دشتی، ۲۰۰۶: ۳۱۴).
 از حقوق واجب خدا بر بندگان، خیرخواهی به اندازه توان و یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است.

بنابراین هدف همکاری در اسلام، ایجاد احساس مشترک در مردم از طریق توجه به خدا، ایمان و عمل صالح و نیکی و همکاری متقابل در امور اجتماعی بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اسلامی (تقوا) است (الفی، ۲۰۱۸: ۳۵).

۳- دولت

بررسی مفهوم دولت یکی از معضلت‌ترین مفاهیم سیاسی در طول تاریخ بوده است (وینسنت، ۱۹۹۲: ۱۸). از دولت قرائت‌های مختلفی وجود دارد. دولت شامل کلیه کارگزاران نظام و مجموعه حاکمیت می‌باشد. به تعبیر دیگر؛ دولت در مفهوم کلی آن کلیه کارگزاران و مجموع تشکیلات، نهادهای سیاسی، اداری، قضایی

و دیگر نهادهایی قانونی در کشور را شامل می‌گردد نه صرف قوه مجریه. بنابراین مقصود از دولت در این تحقیق، فراتر از قوه مجریه است، بلکه «مجموعه‌ای از افراد و نهادهایی که قوانین فائده در یک جامعه را وضع و با پشتوانه قدرت برتری که در اختیار دارند، اجرا می‌کنند (رنی، ۱۹۹۵: ۱۳).

۴- ملت

ملت^۱ ترجمه‌ای است از واژه «Nation» که در زبان‌های اروپایی از ریشه لاتین «Natio» و «Nascere» به معنی «زایش» و «تولد» می‌آید (برتون، ۲۰۰۱: ۲۴۲). بنابراین ملت یک مجموعه بزرگ انسانی که در یک پهنه جغرافیایی، تحت یک مدیریت سیاسی اداره می‌شود و از سوی آن مجموعه انسانی تعیین می‌شود (برتون، ۲۰۰۱: ۲۲۸).

۵- سیستم^۲

سیستم، اصطلاحی است که احتمالاً امروز در نوشته‌های علم سیاست و روابط بین‌الملل وسیع‌ترین کاربرد را دارد و آن عبارت است از:

- ۱- یک چارچوب نظری برای مدون ساختن داده‌های مربوط به پدیده‌های سیاسی؛
- ۲- مجموعه یکپارچه از روابط که بر پایه یک مجموعه مفروض از متغیرهای سیاسی استوار است - مثلاً یک سیستم بین‌المللی که شامل حکومت جهانی باشد؛
- ۳- مجموعه‌ای از روابطی میان متغیرهای سیاسی در یک نظام بین‌المللی که بنا به ادعا موجود بوده است - مثلاً نظام بین‌المللی دهه ۱۹۵۰ میلادی؛
- ۴- هر مجموعه از متغیرهایی که در کنش متقابل (interaction) با یکدیگر باشند (جیمز دوئرتی - رابرت فالتزگراف، ۱۹۹۳: ۲۲۳).

پروفیسور آناتول راپوپورت در تعریف سیستم می‌گوید: «یک کل که به خاطر وابستگی متقابل اجزای آن به صورت یک مجموعه عمل می‌کند»^۳. سیستم ممکن است پایدار باشد یا ناپایدار، همگرا یا واگرا، ناقص یا کامل، سازمان یافته یا مغشوش، منظم یا نامنظم و غیره باشد. لذا هر سیستم دارای مرزهای معین است که آن را از محیط عملیاتی‌اش تفکیک می‌کند و همانند یک شبکه ارتباطی است که جریان تبادل اطلاعات را که منجر به یک فرآیند خودتنظیمی می‌گردد، تسهیل می‌نماید (کازمی، ۱۹۹۳: ۶۰).
تالکوت پارسونز^۴، یکی از پیشگامان استفاده از تئوری سیستم‌ها در قلمرو علوم سیاسی است. او که مبتکر «سیستم اقدام»^۵ می‌باشد؛ معتقد است که اقدامات بازیگران دنیای سیاست در چهارچوب‌های سیستمی واقع می‌شود. در این قالب افراد هم به‌عنوان فاعل و هم مفعول اقدامات یکدیگر در جامعه

1. National

2. System

۳. مثلاً نگاه کنید به مقدمه آناتول راپوپورت Anatol Ropopport در کتاب Walter Buckley (ed.), Modern Systems Reserch for the Behavioral Scientists (Chicago: Aldine Publishing Co., 1968), P.XVLI.

4. Talcott Parsons

5. Action System

هستند. وی سه گونه سیستم‌های جزء را که در داخل یک «سیستم اقدام» به هم مرتبط و وابسته هستند تفکیک می‌کند. سیستم شخصیتی^۱، سیستم اجتماعی^۲ و سیستم فرهنگی^۳. این سیستم‌های فرعی هر کدام بر یکدیگر اثر متقابل دارند. به ترتیبی که تغییر در هر یک از آنها باعث تغییر در بقیه و در مجموع کل سیستم در نتیجه اشتیاق به همکاری، تعامل و تعادل در آنها ترغیب می‌گردد^۴ (کاظمی، ۱۹۹۳: ۶۱).

بنابراین سیستم عبارت است از کل متشکلی از اجزای مرتبط و هماهنگ، برای انجام یک یا چند وظیفه و یا نیل به یک یا چند هدف (خاکسار، ۲۰۱۱: ۱۶۰).

۶- همکاری دولت - ملت

همکاری دولت و ملت عبارت است از: حرکت هماهنگ، منسجم و هدفدار دولت و ملت جهت پشتیبانی همدیگر برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های مشترک (الفی، ۲۰۱۹: ۳۵۱).

۷- همکاری دولت و ملت قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

با بررسی‌های به عمل آمده در منابع متعدد، اندیشمندان معتقدند که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل حاکمیت حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری در ایران و عدم اعتماد دولت و حکومت به ملت، نگاه بدبینانه دولت به مردم، نبود قانون و ضابطه در کشور و غیره باعث شده بود که همکاری دولت با ملت محدود گردد. دکتر کاتوزیان ریشه‌ی عقب‌ماندگی جامعه ایران و عدم همکاری دولت و ملت را در حکومت‌های خودکامه می‌داند. یکی از ویژگی‌های بارز تاریخ ایران، چرخش‌های مکرر از مالکیت استبدادی به شورش و بی‌نظمی عمومی بوده که دوباره به ظهور حکومت خودکامه دیگری منتهی شده است. دولت به دلیل انحصاری کردن حقوق، کلیه تعهدات و وظایف خود را نیز انحصاری می‌کرد. چون جامعه از هیچ حقوقی برخوردار نبود هیچ تعهدی نیز نسبت به دولت احساس نمی‌کرد. در واقع وقتی تلقی عمومی این بود که دولت در حال سقوط است، با این‌که هنوز امکان نجات دولت وجود داشت از کمک به آنان خوداری می‌کردند. در بیشتر تحولات، شورش‌ها همواره به مخالفت با دولت وقت هدایت می‌شدند نه به مخالفت با سیستم خودکامه که تا آن زمان هیچ دلیل دیگری برای آن متصور نبود. از این‌رو به نظر می‌رسد هرج و مرج و بی‌نظمی تنها جایگزین حکومت استبدادی محسوب می‌شد. این بی‌نظمی و بی‌قانونی موجب افزایش ناامنی و بی‌ثباتی می‌شد و جامعه برای نظم و قانون حریص می‌گشت و آرزو می‌کرد یک قدرت مطلقه و خودکامه دیگری باز گردد و نظم را برقرار سازد (کاتوزیان، ۱۹۹۷: ۲۵).

تراکم قدرت در حوزه دولت از یک سو و عدم آمادگی نظام به تقسیم قدرت از سوی دیگر، بالاخص در یک قرن اخیر، بازتاب مستقیم بر روند کاهش مشارکت مردم در توسعه سیاسی داشت. عدم وجود

1. Personality System
2. Social System
3. Cultural System

۴. نگاه کنید به:

Talcott Parsons and Edward A. Shils, (eds.), *Toward a General Theory of Action* (New York: The Free Press, 1961), pp. 120- 121.

سازکاروهای قانونی مشارکت به تدریج در سطح نظام سیاسی متمرکز، بحران سیاسی را به وجود آورد و زمینه‌ساز بحران مشروعیت و مقبولیت بازیگران اصلی، قدرت سیاسی را به سقوط سوق داد. نظام سیاسی متمرکز از صرف تخریب جامعه سنتی - مذهبی ایران را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود و از طرف دیگر حاضر نبود اقدامی جدی در جهت تغییر ساخت قدرت بسته سیاسی خود، که امکان رسمی شدن سیاست، انتقادپذیری و مشارکت مردمی را فراهم می نمود، انجام دهد (ازغندی، ۲۰۰۶: ۲۲).

از عوامل دیگر عدم همکاری دولت با ملت نوع تفکرات بدبینانه دولتمردان نسبت به ملت بوده است. اعتقاد بر این بوده است که مردم به سبب سرشت و خوی آزمندشان به فساد و شرّ و تجاوز به یکدیگر گرایش دارند؛ لذا برای این که مردم از شرّ یکدیگر در امان باشند لازم است بر آنان کنترل اعمال شود. بطور بسیار خلاصه و فشرده؛ در جامعه سنتی ایران، دولت از جامعه جدا بوده، و نه فقط در رأس بلکه در فوق آن قرار داشته؛ در نتیجه دولت پایگاه و نقطه اتکاء محکم و مداومی در درون اجتماع نمی‌داشته و منافع آنان را نمایندگی نمی‌کرده است به این ترتیب، همه حقوق اجتماعی مالا در انحصار دولت بوده، و «حقوقی» که هر فرد، گروه و طبقه اجتماعی از آن برخوردار بوده، اساساً بر مبنای اجازه و اراده دولت قرار داشته است. در این چنین جامعه‌ای «قانون» همان اوامر و احکامی است که دولت استبدادی به اراده خود صادر می‌کند و هرگاه بخواهد تغییر می‌دهد و «سیاست» نیز از حدود توطئه و دسیسه و کوشش برای حذف امحاء و نابودی رقیبان و دشمنان و حفظ حراست سلطه دولت بر اجتماع چندان فراتر نمی‌رود. این جدایی اساسی بین دولت و جامعه، که هم سبب و هم نتیجه عدم مشروعیت دولت و انحصار حقوق اجتماعی توسط آن است. الزاماً سبب می‌شود که جامعه به دولت به صورت یک نیروی بیگانه و «حکومت زور» بنگرد و آن را از خود نداند (کاتوزیان، ۱۹۹۳: ۱۰).

ناگفته نماند تحلیل‌گرانی همچون باری روبین^۱، فرد هالیدی^۲، آنتونی پارسونز^۳، نیکو آر کدی^۴ و ماروین زونیس^۵ و غیره با تحلیل مسائل سیاسی ایران قبل از انقلاب، معتقدند که یکی از دلایل عدم همکاری دولت و ملت قبل از انقلاب به جهت استبدادی و دیکتاتوری حکومت بوده است. باری روبین معتقد است: پدر و پسر [رضا خان و محمد رضا]، هرگز در دوران سلطنت خود محبوبیت زیادی در ایران نداشته‌اند. در واقع محبوبیت و مقبولیت عامه هیچ‌گاه لازمه حکومت در ایران نبوده و کمتر شاهی در طول تاریخ ایران از محبوبیت وسیعی برخوردار بوده است. توانایی آنها در ایجاد رعب و وحشت یا اطاعت و احترام از خواست‌ها و فرامین خود بیشتر به دوام و قوام حکومت‌شان کمک کرده است (باری روبین، ۱۳۶۳: ۲۰). یکی از خصوصیات عمده حکومت ایران آن است که شکل دولتی که ایجاد کرده دیکتاتوری است (فرد هالیدی، ۱۳۶۳: ۵۳). شاه در دهه نخست، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، قدرت خود را تثبیت

-
1. Bury Rubin
 2. Fred Halidiy
 3. Anthony Parsoons
 4. Niki.R.Kedi
 5. Marvin Zonis

کرد و رهبران کودتا را به مناصب کلیدی گمارد: مثلاً سپهبد زاهدی، نخست وزیر، سپهبد بختیار فرماندار نظامی تهران و سرهنگ هدایت، رئیس ستاد ارتش شد. وی از همکاری‌های فنی سازمان اطلاعاتی اسرائیل، سیا (CIA) و اف.بی.ای (F.B.I) برای تشکیل پلیس مخفی جدیدی در سال ۱۳۳۶، با عنوان سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، استفاده کرد. ساواک از هر شیوه‌ای از جمله شکنجه، برای از بین بردن مخالفان استفاده کند (آبراهامیان، ۲۰۰۵: ۵۱۵).

با توجه به آنچه بیان شد به‌طور خلاصه می‌توان گفت: به دلیل نگاه بدبینانه و رقیب محوری دولتمردان نسبت به ملت و وجود حاکمیت حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری و غیره شکافی بین دولت و ملت وجود داشت و این عوامل مانع همکاری دولت و ملت بوده است.

۸- تأثیر انقلاب اسلامی ایران در تأسیس سیستم همکاری دولت و ملت

شناخت صحیح سیستم همکاری دولت و ملت بدون شناخت انقلاب اسلامی و اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی بنیانگذاران آن میسر نمی‌باشد. بدین معنی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیستم جدیدی از حکومت و همکاری دولت و ملت به جهانیان معرفی شد که اولاً بی‌نظیر بود. ثانیاً با انقلاب‌های قرون قبلی از جمله انقلاب‌های فرانسه ۱۷۸۹ م، روسیه ۱۹۱۷ م و غیره در تئوری و عمل همخوانی و سازگاری نداشته است. از این‌رو درک آن برای بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران تئورهای انقلاب و علوم سیاسی مشکل بود. به همین دلیل برخی نظریه‌پردازان با پیچیده خواندن این انقلاب، نمی‌توانستند نظام برخاسته از آن را و نوع «سیستم همکاری دولت - ملت» شکل گرفته را با مدل‌های انقلاب‌های لیبرالیستی^۱، مارکسیستی^۲، سوسیالیستی^۳ و نیز با سیستم‌های حکومتی برگرفته از مدل‌های مختلف سلطنتی، جمهوری تطبیق دهند.

حکومت جدید و سیستم همکاری دولت - ملت شکل گرفته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛ به‌عنوان یکی از آثار و دستاوردهای مهم انقلاب می‌باشد که درک آن برای بسیاری از اندیشمندان داخلی و خارجی؛ همانند درک انقلاب اسلامی سخت بوده و به راحتی نمی‌توانستند قبول کنند که حکومتی بر پایه دین و سیستمی بر مبنای دینی هم می‌تواند در جهان عینی و مادی شکل گیرد. بدین دلیل که اولاً؛ در قرن بیستم هر کدام از ایسم‌ها^۴ و مکاتب ساخته دست بشر از جمله لیبرالیسم^۵، اومانیزم^۶، ماتریالیسم^۷، مارکسیسم^۸، فاشیسم^۹، نازیسم^{۱۰}، و غیره درصدد سیادت و آقایی بر بشریت بوده و هر یک زیر چتر

1. Liberal revolutions models
2. Marxist
3. Socialist
4. Ism
5. Liberalism
6. Humanism
7. Materialism
8. Marxism
9. Fascism
10. Nazism

حمایتی حکومت‌های دیکتاتوری و استبدادی به تحمیل آراء و نظرات خود می‌پرداختند، لذا هر یک از این مکاتب، انسان‌ها را به دین‌گرایی و مذهب‌ستیزی سوق می‌دادند. ولی با پیروزی انقلاب اسلامی و دمیده شدن روح دین‌گرایی و معنویت‌گرایی و پرهیز از مادی‌گرایی بر کالبد نیمه جان بشریت؛ جهان روح و جان تازه‌ای گرفت و حکومتی با صبغه‌ی مذهبی شکل گرفت که با هیچ‌یک از نظریات و تئوری‌های قبلی تشکیل دولت‌ها و حکومت‌های ماکیاولیستی^۱ و هابزی^۲ تطبیق نداشت، لذا درک آن برای بسیاری از اندیشمندان غرب و شرق که با عینک مادی‌گرایی می‌نگریستند سخت بود.

در این عصر؛ انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) با رویکرد جدید به دین؛ اندیشه‌ی خدا محوری را جایگزینی برای ایسم‌های مختلف معرفی کرده و اقدام به تأسیس نظام جدید سیاسی کرد. امام(ره) با بیدارسازی انسان مسخ شده زیر چکمه‌های مکاتب مادی‌گرا و جایگزینی اندیشه خدا محوری اقدام به تأسیس سیستمی جدیدی از همکاری دولت و ملت در جهان سیاست ارائه کرد. در این مدل همکاری رابطه آنها صرفاً بر اساس قدرت تعریف نمی‌شود بلکه ملت ولی نعمت دولت بوده و همیشه دولت را در کنار خود احساس می‌کند نه در مقابل خود. امام(ره) معتقد است مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، ولی نعمت و صاحب اصلی کشور محسوب می‌شوند و با پشتیبانی مردم کارها آسان می‌شود؛ کما این‌که تاکنون نیز چنین بوده است و مردم پیشقدم شده‌اند و خرابی‌های جنگ را که دولت نمی‌توانست به تنهایی حل کند، مردم حل کردند. اگر بین مردم و دولت همکاری و تفاهم باشد، کشور سالم خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۹۹۱، ج ۱۶: ۴۱۹).

البته اسلام به منزله‌ی یک نیروی هماهنگ‌کننده، وحدت‌بخش و تقویت‌کننده‌ی روحیه‌ی مردم با احترام به کرامت انسان و اهتمام به نقش مردم در امر حکومت، از مردم نیرویی قدرتمند ساخته است که حافظ کشورشان باشند. برخی ارزش‌های سیاسی که نشأت گرفته از آموزه‌های اسلامی و شیعی و بیانگر نوعی قدرت نرم‌افزاری است، مانند اخلاق، خدامحوری، ولایت‌پذیری و غیره بازگوکننده‌ی یک سیاست منسجم و قوی است. انقلاب اسلامی نیز با الگوها و انتظارات کسانی که نسبت خوبی از اوضاع ایران اطلاع نداشتند سازگار نبود. در کجای عالم قبلاً دیده شده بود رهبر یک مذهب جالفتاده به‌عنوان سردمدار پرشور و پرآوازه‌ی یک انقلاب علیه یک حاکم سلطنتی ظهور نماید، حاکمی که مدعی حقانیت خود و پیوندش با گذشته ملی سرزمین‌اش و حقانیت برنامه‌های اصلاحی خود بود. در کجا قبلاً کسی دیده بود که حکومتی مجهز به میلیاردها دلار تسلیحات نظامی، نیروهای مسلح، پلیس مخفی و آشکار که قاعداً همه آنها نیز آماده استفاده بود، این چنین در مواجهه با شورش‌های متناوب، تظاهرات همگانی و وسیع و اعتصابات از پای درآید؟ اساتیدی که به تحقیق در رشته‌ی مطالعات خاورمیانه اشتغال دارند این روزها با این سؤال که: آیا انقلاب ایران یک انقلاب مذهبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و یا چیز دیگری بود؟ زیاد

1. Machiavellian

2. Hobbesian

برخورد می‌کنند. به نظر می‌رسد تنها پاسخ خوبی که می‌توان به این پرسش داد این است که انقلاب مجموعه‌ای از همه این‌ها بود (کدی، ۱۹۹۰: ۱۵).

همچنین زونیس^۱ مدیر مؤسسه خاورمیانه دانشگاه شیکاگو^۲ می‌نویسد: درک انقلاب ایران ارزش زیادی دارد. شتاب تقریباً نفسگیر این انقلاب و پیامدهای تکان‌دهنده رویدادهای مهم آن، در تاریخ قرن حاضر، تاریخ انقلاب‌ها، جایگاه ویژه‌ای دارد (زونیس، ۱۹۹۱: ۷). برخی دیگر از تحلیل‌گران و نویسندگان با اذعان به چنین پدیده‌ی نوظهوری در قرن بیستم (عصر تقابل ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌ها)^۳ معتقدند: تحولاتی در ایران آغاز شد به تغییرات عمده‌ای، نه تنها در حکومت بلکه در کل جامعه انجمن و پیامدهای آن مرزهای ایران را در نوردید و به بیرون از کشور رسید (لوئیس، ۱۹۹۹: ۲۵).

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی برای نظام بین‌الملل، عناصر و فرآیندهای درونی آن داشت. خروج ایران از اردوگاه غرب و تقابل اساسی با نظام بین‌الملل، تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای وارد نمود (محمدی، ۲۰۰۹: ۳۳). به همین دلیل، نظام استکباری و در رأس آنان آمریکا از اوایل پیروزی انقلاب، جهت جلوگیری از تسری فکر و اندیشه آن درصدد مهار و نابودی آن بوده و از استراتژی نابودی جمهوری اسلامی^۴ دفاع می‌کند (طاهری، ۲۰۰۹: ۷۳).

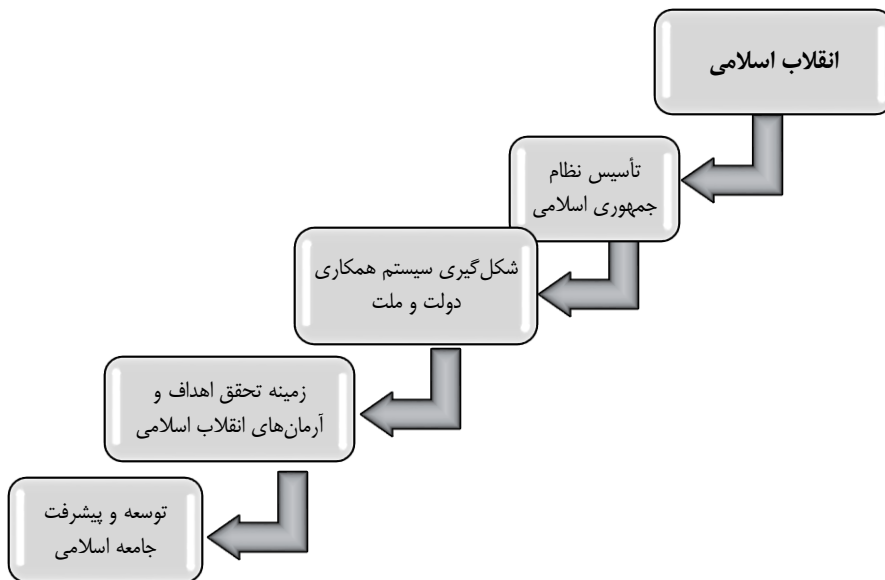
شایان ذکر است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار دولت جدید، سیستم همکاری دولت و ملت که محصول دگرگونی عمیق در ساختار سیاسی کشور بود، فصل جدیدی از مناسبات میان نیروهای اجتماعی و نظام سیاسی برقرار گردید. تأسیس دولت نوپدید و نظام جدید، برآیند ائتلاف مهم‌ترین نیروهای چالش‌گر علیه حاکمیت پیشین و استقرار نظامی جدید مبتنی بر ارزش‌های دینی بود. بدین ترتیب سیستم همکاری دولت و ملت به‌عنوان گفتمان جدیدی در حیات سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی، هویت جدیدی را خلق و بازآفرینی کرد که شکل‌گیری آن بازتاب آرمان‌ها و منافع مشترک گروه‌هایی بود که چند سال برای تبدیل شدن به یک قدرت سیاسی - اجتماعی تلاش کرده بودند. مصداق عینی این سیستم را می‌توان در ایجاد و تغییر ساختارهای سیاسی و تشکیل سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مردم‌نهادی همچون وزارت تعاون، جهاد سازندگی، کمیته انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج مستضعفین، دانشگاه آزاد اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مراکز تحقیقاتی رویان و غیره مشاهده کرد. در نمودار ذیل مراحل تأسیس آن با نگرش سیستمی بخوبی دیده می‌شود.

1. Marvin Zonis
2. Director of the Middle East Institute, University of Chicago
3. The era of confrontation of ideologies and ideas
4. The strategy of destroying the Islamic Republic



نمودار ۱: چگونگی شکل‌گیری سیستم همکاری دولت و ملت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

با نگاهی سیستمی به مراحل شکل‌گیری و تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سیستم همکاری دولت و ملت و تثبیت نظام سیاسی، سیستم با ایجاد تحول فکری و فرهنگی و تزریق روحیه خودباوری در ایجاد بسترها و زمینه‌های مناسب، اعتماد عمومی ملت به دولت و دولت به ملت را فراهم می‌آورد. در نمودار شماره ۲ چگونگی مراحل عملکرد سیستم را بیان می‌کند.



نمودار ۲: عملکرد سیستم همکاری دولت و ملت جهت دستیابی به توسعه و پیشرفت کشور

همچنین سیستم با تزریق روحیه‌ی انقلابی، جهادی و ایجاد انگیزش در جامعه برای دفاع و سازندگی از کشور و ایجاد بستر و زمینه‌ی امن؛ به خنثی‌سازی تهدیدات پرداخته و با تربیت نیروهای متخصص، مجرب، ایثارگر و جهادگر در حوزه‌های مختلف سیاسی^۱، مسایل نظامی و استراتژیک^۲، علوم انسانی و علوم اسلامی^۳، فنی - مهندسی، پزشکی^۴ و غیره و در مراکز علمی - آموزشی و پژوهشی و با اقدامات و فعالیت‌های پیدا و پنهان خود، ضریب اعتماد مردم را نسبت به نظام سیاسی افزایش داده و به امنیت ملی و پیشرفت کشور کمک می‌نماید.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با الهام از نگرش سیستمی به تأثیر انقلاب اسلامی در تأسیس «سیستم همکاری دولت و ملت» به‌عنوان یک گفتمان مستقل پرداخته است. شکل‌گیری چنین سیستمی که دارای هویت جدید، در جهان سیاست معاصر می‌باشد متأثر از انقلابی است که خود یک پدیده سیاسی می‌باشد. انقلابی که یکی از بزرگترین رخدادهای سیاسی - اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم بوده و توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی را به خود معطوف کرده است. انقلابی که موجب دگرگونی و تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی گردید و منشاء ظهور آثاری شگرف در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی گردید. این انقلاب، سیستم حکومتی جدیدی را به جهانیان معرفی کرد که در تئوری و عمل با انقلاب‌های قرون قبلی از جمله انقلاب‌های فرانسه ۱۷۸۹م، روسیه ۱۹۱۷م متفاوت بوده و با نظام‌های سیاسی پیشین همخوانی و سازگاری نداشته است. لذا درک آن، برای بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران تئورهای انقلاب و علوم سیاسی مشکل بوده و به همین دلیل، برخی نظریه‌پردازان با پیچیده خواندن آن و نظام برخاسته از آن و نوع همکاری دولت - ملت را با مدل‌های انقلاب‌های لیبرالیستی^۵

۱- پرورش رهبران و مدیرانی همچون مقام معظم رهبری و شهدایی همچون رجایی، باهنر، بهشتی و ده‌ها مدیر گمنام دیگر از نسل اول انقلاب و دوم انقلاب.

۲- شهدای همچون سرداران مهدی باکری، حسن باقری افشرد، حسن شفیق‌زاده، سیهید صیاد شیرازی، حسن طهرانی‌مقدم پدر موشکی ایران، قاسم سلیمانی و ده‌ها شهید دیگر و نیز استراتژیست‌های گمنام کشور از نسل اول و دوم انقلاب و غیره.

۳- اندیشمندان و فلاسفه‌ای همچون مرحومین علامه طباطبایی، علامه محمدتقی جعفری، آیت‌الله مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی و غیره و همچنین علامه جوادی آملی، پروفیسور ابراهیم دینانی، پروفیسور اعوانی و نیز تربیت‌شدگان حوزوی و دانشگاهی تأثیرگذار و در علوم انسانی.

۴- شهدایی همچون دکتر مجید شهریاری، دکتر مسعود علیمحمدی، مهندس مصطفی احمدی روشن، دکتر داریوش رضایی، دکتر محسن فخری‌زاده و سایر دانشمندان و نخبگان تربیت شده در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در علوم فیزیک هسته‌ای، علوم پزشکی، هوا و فضا و غیره.

۵. Liberal revolutions models

مارکسیستی^۱، سوسیالیستی^۲ و سیستم‌های حکومتی برگرفته از اشکال مختلف سلطنتی و جمهوری نمی‌توانستند تطبیق دهند.

یکی دیگر از تأثیرات اساسی انقلاب، تأسیس همبستگی جدید در قالب سیستم همکاری دولت و ملت می‌باشد. این سیستم در صدد حذف شکاف‌های تاریخی بین دولت و ملت بر مبنای دین و مذهب، مشارکت آگاهانه و داوطلبانه‌ی مردم در امور سیاسی و اجتماعی بوده است. سیستم با هدایت و رهبری امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری و ایجاد وحدت و انسجام بین نیروهای سیاسی - اجتماعی به ترمیم شکاف‌های فعال و نیمه‌فعالی که از سالیان دور، جامعه را تهدید می‌کرد ترمیم یافت. شکاف‌هایی که در اثر دخالت بیگانگان، تهدیدات خارجی، تحمیل جنگ، اقدامات خرابکارانه‌ی و براندازانه‌ی منافقین و برخی گروه‌های معاند، ترور رهبران و نیروهای انقلابی، کجروئی‌های جناحی بعضی دولتمردان، اهمال و غفلت برخی مسئولین سیاسی و اغفال‌شدگان به‌وجود آمده بود.

همچنین سیستم، با تزریق روحیه‌ی انقلابی، جهادی و ایجاد انگیزش در جامعه برای دفاع و سازندگی از کشور و ایجاد بستر و زمینه‌ی امن؛ به خنثی‌سازی تهدیدات پرداخته و با تربیت نیروهای متخصص و مجرب در حوزه‌های مختلف سیاسی، مسایل نظامی و استراتژیک، فنی - مهندسی، پزشکی و غیره و با اقدامات و فعالیت‌های پیدا و پنهان خود در ملت، ضریب اعتماد و اطمینان را نسبت به نظام سیاسی افزایش؛ و به امنیت ملی و پیشرفت کشور کمک نموده است. از این‌رو، دشمنان نظام با نگاهی سیستماتیک، هوشمندانه و نگرشی جامع و با درک درست از عملکرد سیستم، از ابتدای پیروزی انقلاب، اقداماتی را برای جلوگیری از حرکت، تقویت و تحکیم وحدت و اتحاد، ارتقاء قدرت و اقتدار ملی را انجام داده‌اند. همچنین با اتخاذ تدابیر و بکارگیری انواع استراتژی‌ها و تاکتیک‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و غیره و در صدد فعال سازی و ایجاد شکاف‌های سیاسی - اجتماعی از جمله قومی و مذهبی بودند و سعی داشتند با ایجاد گسست در درون سیستم، آن را به نابودی بکشاند.

References

- The Holy Quran.
- Abrahamian, Ervand (2005). *Iran between two revolutions*, translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ibrahim Fattahi, Tehran: Nashreney Publications. (In Persian)
- Alefi, Mohammad Reza (2018). "Cooperation between the State and the Nation and its impact on the Islamic Republic of Iran National security", *Islamic Revolution Studies a Research Quarterly*, Vol.14. Winter, No 51.

1. Marxist
2. Socialist

- Alefi, Mohammad Reza (2019). “Barriers to State - Nation Cooperation and Its Impact on the Stability and Continuity of the Islamic Revolution of Iran”, The Knowledge Studies in Islamic University, (Summer) 79. Vol .23. No.2: 345. (In Persian)
- Alferd Bom (1955). *State and Economices in the Middle East*, London: Bradford, Lund Hanphries Publication.
- Alikhani, Mohammad (2002). *Constitutional Law*, Tehran: Dastan Publications. (In Persian)
- Amid, Hassan (2001). *Farhang-e Farsi*, 19th edition, Tehran: Amirkabir Publications. (In Persian)
- Andrew, Vincent (1992). *Theories of Stste*, translated by Hossein Bashirieh, Tehran: Nashreney Publications. (In Persian)
- Anthony, Parsons (1984). *Pride and fall*, translated by Manouchehr Rastineh, first edition, Tehran: Hafte Publications. (In Persian)
- Aristotle (1992). *Politics*, translated by Hamid Enayat, Tehran: Islamic Revolution Education Publications. (In Persian)
- Austin, Renny (1995). *Government: Introduction to Political Science*, translated by Leila Sazegar, Tehran: Markaze Nasher Daneshgahi Publications. (In Persian)
- Azghandi, Alireza (1997). *The inefficiency of Iran's political elite between the two revolutions*, Tehran: Qoms Publications.(In Persian)
- Azghandi, Alireza (2006). *The political elites of Iran*, Tehran: Qoms Publications. (In Persian)
- Barry Rubine (1984). *The War of Powers in Iran*, translated by Mahmoud Mashreghi, first, Tehran: Ashtiyani Publications. (In Persian)
- Bashirieh, Hossein (2002). *An Introduction to the Political Sociology of Iran, (Islamic Republic of Iran*, Tehran: Kavir Publications. (In Persian)
- Dashti, Mohammad (2006). Nahj al-Balaghah, forty, Amir al-Momenin Cultural Research Institute (AS). (In Persian)
- Doherty, James; Faltzgraf, Robert (1993). *Conflicting Theories in International Relations, two volumes, first volume*, translated by Alireza Tayeb - Vahid Bozorgi, Tehran: Qoms Publications. (In Persian)
- Eivazi, Mohammadrahim (2014). *An Analysis of the Framework for the Islamic Revolution of Iran*, Tehran: Sadra Islamic Humanities Research Center Publications. (In Persian)
- Gabriel, Almond (1965). *Political Devolopment*, New York: Princeton University Publications.
- Halliday, Fard (1979). *Dictatorship and the Development of Capitalism in Iran*, translated by Fazlullah Nikaien, Tehran: Amirkabir Publications. (In Persian)
- Katozian, Homayoun (1993). *Democracy, Authoritarianism and National Movement*, Tehran: Kavir Publications. (In Persian)
- Katozian, Homayoun (1997). “Democracy, Dictatorship, Authoritarian Government”, Iranfarda Monthly, Vol.5, No. 32, June 1997. (In Persian)
- Kazemi, Ali Asghar (1993). *International Relations in Theory and Practice*, Tehran: Qoms Publications. (In Persian)
- Khaksar, Mohammad Hossein & et al (2011). ”systemic attitude and method in solving socio-cultural problems; Considering the Indigenous Conditions of Iran”, Political-Economic Research Quarterly, Year 25, summer, No. 284. (In Persian)

- Lewis, Bernard (1999). *The Political Language of Islam*, translated by Gholamreza Behrooz Lak, Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center. (In Persian)
- Mohammadi Lord, Abdolm Mahmoud (2014). *Future Studies of Political Stability in Iran*, Tehran: Institute for Strategic Studies Publications. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (Imam Khomeini) (2006). *Sahifa Imam*, Fourth Edition, Volume 16, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (Imam Khomeini) (2006). *Sahifa Imam*, Fourth Edition, Volume.3, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute. (In Persian)
- Sheikh Tusi (2017). *Tahzib Al-Ahkam*, vol. 6, 181, <http://hdith.com>.
- Taheri, Seyed Mehdi (2009). *Reflection of the Islamic Revolution of Iran on the International System*, collection of articles (re-reading the effects of the Islamic Revolution of Iran on the awakening of Muslims), Qom: Al-Mustafa International Research Institute. (In Persian)
- Taleb, Mehdi (1997). *Principles and Thoughts of Cooperative*, Tehran, University of Tehran Press. (In Persian)
- Talebi, Mehdi (1997). *Principles and Thoughts of Cooperative*, Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Vajehyab (2017). "hamkari", <http://www.vajehyab.com/amid>. (In Persian)